

بیانات در دیدار دانشمندان هسته‌ای - 3 / اسفند / 1390

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی خوشحالم از اینکه شما عزیزان را، برادران و خواهران ارزشمند فعال در يك عرصه‌ی افتخارآفرین ملی و تاریخی را امروز اینجا زیارت میکنم. البته پشت سر شماها ما، هم خیلی از شماها ذکر خیر کردیم، هم خیلی قلباً به شماها علاقه و ارادت داریم. امروز هم يك فرصتی است که شفاهاً و روبه‌رو به شماها اظهار اخلاص و ارادت کنیم. خدا را شکر میکنیم. البته این نعمتها از خداست. همه‌ی نعمتها از سوی پروردگار عالم است؛ «ما بکم من نعمه فمن الله». (1) نعمت داشتن نیروهای انسانی کارآمد و هوشمند و دانشمند و خوشفکر و پرانگیزه هم يك نعمتی است؛ این هم از نعمتهای الهی است. از شما که تشکر میکنیم، به جای خود محفوظ؛ اما به خاطر اینکه خدای متعال شما را به این ملت و به این نظام داد، از خدای متعال هم خیلی تشکر میکنیم.

يك نکته این است که هر انسانی در هر منطقه و قلمروئی که مشغول خدمت است، قدر آن خدمت را درست بداند. اگر قدر این خدمت به وسیله‌ی خود آن انسان خدوم دانسته شد، این کار و این خدمت به بهترین وجهی ادامه پیدا خواهد کرد؛ اما اگر نه، آن کسی که دارد این سنگر را نگهبانی میکند، روی این برج ایستاده، دارد اطراف این حصار را دیده‌بانی میکند، در این نقطه ایستاده، دارد این کار مهم را انجام میدهد، ندانست اهمیت این کار چقدر است، طبیعی است که غفلت کند، چرت بزند و رها کند. پس اولین مسئله این است که ما بدانیم چه کار بزرگی را در قلمرو کار خودمان داریم انجام میدهیم.

من فقط يك جمله عرض بکنم. البته کار شماها خیلی ابعاد مختلفی دارد؛ يك بعدش این است که احساس عزت ملی را به این ملت و به این کشور داد؛ این چیز خیلی مهمی است. ملتها آن وقتی گرفتار میشوند که عزت نفس خودشان را از دست بدهند؛ آن وقتی به‌رایگان نوکری دیگران را قبول میکنند که ارزش خودشان را فراموش کنند. عزت نفس این است. يك ملت مظلوم آن وقتی به پا میخیزد - مثل همین ملتهای شمال آفریقا و بعضی کشورهای دیگر - که احساس کند عزتی دارد که در طول زمان پایمال شده؛ آن وقت دیگر برمیخیزد و هیچ نیروئی نمیتواند او را بنشانند؛ که دارید مشاهده میکنید؛ این اتفاق افتاده. عزت نفس این است. انقلاب به ملت ما، به کشور ما عزت نفس داد. بارها و بارها سعی کردند توی سر فکر و روحیه‌ی این ملت بزنند، بگویند شماها نمیتوانید؛ بله، انقلاب کردید، اما نمیتوانید خودتان را اداره کنید؛ نمیتوانید پیش بروید؛ نمیتوانید پا به پای دنیا حرکت کنید. هر پیشرفت علمی‌ای، يك حرکت بزرگ و يك بشارت بزرگ به این ملت است که میتواند؛ و این کار شماها - مسئله‌ی هسته‌ای - توانست به این ملت عزت نفس بدهد. این یکی از ابعاد اهمیت کار شماست.

این ارزشها را نمیشود با محاسبه‌ی مادی سنجید. البته دنیای مادی همه‌ی این چیزها را با پول میسند؛ همه ارزشهای بشری هم در نهایت منتهی میشود به پول؛ گرفتاری دنیای مادی هم این است، و همین است که قطعاً اینها را زمین خواهد زد. لیکن حقیقت قضیه این است که یک چیزهایی اصلاً با پول قابل سنجش نیست. حالا ممکن است انسان در مقام مقایسه، مسامحتاً اسم پول را هم بیاورد. من رفته بودم به یکی از این استانهای کشور. جزو دیدارهایی که داشتیم، دیدار با دانشگاهی‌ها و دانشجوها و اساتید و اینها بود؛ دیدار خیلی پرشور قشنگی بود. یکی از اساتید آنجا که دانشمندی است - من او را میشناختم و هست - سخنرانی کرد. چند نفر سخنرانی کردند؛ از جمله این مرد دانشمند سخنرانی کرد. برای اینکه توجه این بنده‌ی حقیر و مجموعه‌ی دستگاه را به این استان جلب کند، امتیازات این استان را میگفت؛ که مثلاً این امتیاز را دارد، این امتیاز را دارد، اینها مثلاً اینقدر میلیارد می‌ارزد و جا دارد که اینقدر خرج بشود. مضمون حرفی که آن وقت زدم - حالا الفاظش را دقیق نمیتوانم به یاد بیاورم - این بود که گفتم شما این چیزهایی را که ذکر کردید، مادی است؛ خود شما چند میلیارد بیشتر از اینها می‌ارزید. یک دانشمند و استادی توی یک شهری، توی یک مرکز استانی، مگر قابل مقایسه است با امتیازات مادی یک استان؟ فکر این است، انسان این است، شخصیت این است. باید بدانید کاری که میکنید، مهم است.

البته ابعاد کار - همین‌طور که گفتم - خیلی متعدد است. در تبلیغات سعی کردند و میکنند که وانمود کنند این یک کار صرفاً ایدئولوژیک است؛ یعنی به منافع ملت و منافع کشور ارتباط ندارد؛ در حالی که کار شما یک کاری است که مستقیماً به منافع ملی ارتباط دارد. کار انرژی هسته‌ای این است؛ مستقیماً به منافع ملی ارتباط پیدا میکند. در گزارشی که الان آقای دکتر عباسی دادند، بخشی از جوانب ارتباطش به منافع ملی ذکر شده. انرژی هسته‌ای کاری است برای ملت، برای کشور، برای آینده.

مستکبران عالم و کسانی که حکمرانی دنیا را حق خودشان میدانند - که همین کشورهای مستکبرند - اسم خودشان را میگذارند جامعه‌ی جهانی؛ در حالی که جامعه‌ی جهانی اینها نیستند؛ جامعه‌ی جهانی ملتهایند و دولتهای آنها. چند تا کشور اسم خودشان را میگذارند جامعه‌ی جهانی، و به نام جامعه‌ی جهانی حکم صادر میکنند، حرف میزنند، رد میکنند، اظهار توقع میکنند! این چند کشور تسلطشان بر دنیا را به واسطه‌ی انحصار علم و انحصار فناوری تعریف کردند. بخشی از این هیاهویی که اینها میکنند، به خاطر این است که این انحصار شکسته نشود. اگر چنانچه ملتها بتوانند در قضیه‌ی هسته‌ای، در قضیه‌ی فضا، در مسائل الکترونیک، در مسائل گوناگون صنعتی، فناوری و علمی پیش بروند، راهی برای سیادت زورگویانه و قلدرانه‌ی اینها بر دنیا باقی نخواهد ماند.

یکی از بزرگترین جنایت‌هایی که به بشریت شد، این بود که در انقلاب صنعتی در دنیا در این دو سه قرن، علم وسیله‌ای شد برای زورگویی. انگلیسها که جزو پیشروان انقلاب صنعتی بودند، از این امکان خودشان استفاده کردند برای راه افتادن در اطراف دنیا و به زنجیر کشیدن ملتها. شما میدانید در دوران حاکمیت انگلیسها در شبه‌قاره، در این صحنه‌ی

بزرگ و ثروتمند چه گذشت؟ فقط هم شبه‌قاره نبوده؛ تمام منطقه‌ی شرق آسیا سالهای متمادی - بیش از یک قرن - زیر چکمه‌ی اینها بوده و با ابزار علم که اینها داشتند، بر مردم مسلط شدند؛ مردم به جان آمدند، چه انسانهایی نابود شدند، چه آرزوهایی نابود شد، چه ملت‌هایی عقب افتادند، چه کشورهای خراب شدند. اینها از ابزار علم یک چنین استفاده‌ای کردند. این بزرگترین خیانت به علم است؛ همچنان که بزرگترین خیانت به بشریت است. اینها میخواهند این انحصار شکسته نشود. هر ملتی که بتواند با استقلال - نه زیر بلیط آنها و با مجوز آنها و در اختیار آنها و در مشت آنها - روی پای خود بایستد، یک ضربه به این انحصار زده؛ و این کار امروز خوشبختانه در ایران راه افتاده.

باید با جدیت تمام این رشته‌ی مهم و این کار اساسی و بزرگ را پیگیری کنید، دنبال کنید. به خدا توکل کنید و خدای متعال هم به شما کمک خواهد کرد. استعداد هست، ظرفیت انسانی هست، ظرفیت طبیعی هست؛ خوشبختانه امروز ظرفیت سیاسی هم به طور کامل وجود دارد. گاهی ظرفیتهای طبیعی و انسانی هست، اما ظرفیتهای سیاسی وجود ندارد؛ تسلط دشمن اجازه نمیدهد که این ملت نفس بکشد و این ظرفیتهای انسانی و طبیعی به عرصه بیایند. انقلاب آمده، این ظرفیت سیاسی را هم به وجود آورده؛ میتوانید پیش بروید و باید پیش بروید.

جنگالی که راه می‌اندازند، با هدف این است که ما را متوقف کنند. میدانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ این را فهمیده‌اند، دانسته‌اند. من شك ندارم که دستگاه‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در این کشورهایی که جلوی ما ایستاده‌اند، اطلاع دارند و میدانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم. واقعاً سلاح هسته‌ای به صرفه‌ی ما نیست؛ علاوه بر اینکه از لحاظ فکری و نظری و فقهی، ما این کار را خلاف میدانیم و این حرکت را حرکت خلافی میدانیم. ما استفاده‌ی از این تسلیحات را گناه بزرگ میدانیم و نگهداشتنش را یک کار بی‌هوده‌ی پرخطر میدانیم و هرگز دنبالش هم نمی‌رویم. آنها هم این را میدانند، اما روی این نقطه فشار می‌آورند برای اینکه این حرکت را متوقف کنند.

ما میخواهیم به دنیا اثبات کنیم که داشتن سلاح هسته‌ای، قدرت‌آفرین نیست؛ به دلیل اینکه قدرتهایی که سلاح هسته‌ای دارند، امروز دارای سخت‌ترین مشکلاتند. آنها با تهدید هسته‌ای بر دنیا مسلط شدند، اما امروز این تهدید دیگر کاربرد ندارد. ما میخواهیم بگوئیم ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم و اقتدار را در سلاح هسته‌ای نمیدانیم و اقتدار متکی به سلاح هسته‌ای را هم نمیتوانیم بشکنیم. ان‌شاءالله این ملت این کار را خواهد کرد.

البته من این را به شما عرض بکنم؛ شماها میدانید، این فشارهایی که اینها می‌آورند - فشار تحریم و تهدید و ترور و اینها - نشانه‌ی ضعف اینهاست؛ این نشان میدهد که هرچه آنها میکنند، ملت ما را مستحکمتر و پایدارتر میکند. ملت میفهمد که درست به خال زده، میفهمد که هدف را درست انتخاب کرده، حرکت را خوب پیش برده؛ لذا دشمن را عصبانی و خشمگین کرده.

این حرکت هم فقط حرکت هسته‌ای نیست. خب، امروز بهانه‌ی آنها بهانه‌ی هسته‌ای است؛ تحریم میکنند، به بهانه‌ی هسته‌ای. مگر چند سال مسئله‌ی هسته‌ای در کشور ما مطرح است؟ سی سال است که تحریمها وجود دارد. آن وقتی که مسئله‌ی هسته‌ای نبود، چرا تحریم میکردند؟ مسئله، مسئله‌ی مقابله و معارضه‌ی با ملتی است که خواسته است مستقل باشد، خواسته زیر بار ظلم نرود، خواسته ظالم را افشاء کند و در مقابل ظلم ظالم بایستد و این پیام را به همه‌ی دنیا بدهد؛ داده‌ایم، ان شاء الله بیشتر هم خواهیم داد. تحریم و فشار سیاسی و اینها هم اثری نخواهد کرد. وقتی که يك ملت تصمیم میگیرد بایستد، وقتی که به حمایت الهی و به قدرت درونی خود و استعداد درونی خود باور داشت و باور کرد، چیزی نمیتواند جلوی او را بگیرد.

من توصیه‌ام این است: همتهاتان را بالا ببرید. در مجموعه‌ی سازمانتان، در بین همه‌ی افرادی که این مهم را بر عهده گرفته‌اند، انگیزه را برای ادامه‌ی این راه افزایش بدهید. کارتان کار بزرگی است، کار مهمی است و ان شاء الله برای این کشور آینده‌ساز است. مسئله این نیست که ما خواهیم توانست از صنعت هسته‌ای برای مصارفی که به سود منافع ملی است، استفاده کنیم؛ مسئله این است که این حرکت، به جوانهای این کشور، دانشمندان این کشور، آحاد مردم این کشور، عزم و تصمیم راسخ میبخشد و آنها را در این راه ثابت قدم میدارد؛ این مهم است. این ایستاده نگهداشتن ملت و پرانگیزه نگهداشتن آحاد ملت، منافع و استفاده‌هایش از خود این صنعت مهمتر است؛ این کار را شما دارید انجام میدهید و ان شاء الله خدای متعال هم کمکتان خواهد کرد.

ما هم شما را دعا میکنیم. هر جا هم که لازم باشد ما پشتیبانی کنیم، بنده کمکی بکنم، قطعاً این کار را خواهیم کرد. ما معتقدیم که ان شاء الله شما هم موانع را یکی پس از دیگری از سر رهاقتان بر میدارید و پیش خواهید رفت. ان شاء الله فردای شما از امروز شما بمراتب بهتر خواهد بود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

(1) نحل: 53